

## نصیحت و امانت

### خطبه اول

الحمد لله منزل الكتاب و هدی و ذکری لأولی الألباب و الصلاة والسلام علی نبینا محمد المفضل علی البشر بجوامع الخطاب و وعلى آله المطهرین والأصحاب.  
وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ شَهَادَةٌ تَنْجِي صَاحِبَهَا يَوْمَ الْحِسَابِ.

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿١﴾﴾ (النساء: ١)

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُونُوا إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٢﴾﴾ (آل عمران: ١٠٢)  
﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ (الأحزاب: ٧٠ - ٧١)

أما بعد:

از انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

«لَا يَوْمَ مِنْ أَحَدِكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ» [متفق علیه]

”کسی از شما ایمان نمی آورد تا آنکه آنچه را برای خود دوست می دارد برای برادر خود نیز دوست بدارد“

برادری و روح ایمان است و چکیده‌ی احساس و برادری همان برآورده شدن امنیت فراگیری است که در همه‌ی جامعه اطمینان و صلح را گسترده می سازد.

ای مسلمانان: هر که این را به درستی درک کند و تدبیر نماید وظیفه‌ی خود را در برابر برادرانش خواهد دانست... نشان دادن صادقانه‌ی برادری و محدود نیست اما همه‌ی آن در یک واژه‌ی بزرگ که معنایی عظیم و آثاری چشمگیر دارد و جمع می شود که همان خیرخواهی در رفتار و پذیرش نصیحت دیگران و نصیحت کردن یکدیگر است.

بر اساس این حق و برادرت را نصیحت کرده و برای او خیرخواهی می کنی و نصیحت او را پذیرفته و نصیحت کنندگان را دوست خواهی داشت. نصیحت و معیار محبت صادقانه و دوستی خالصانه است. برادر تو کسی است که در حق تو خیرخواهی و نصیحت نماید. نصیحت و کلمه‌ای است فراگیر و معنای کامل آن اراده‌ی خیر است برای شخص مقابل و راهنمایی وی به سوی آن و برحذر داشتن او از عیب‌ها و انحراف در گفتار و کردار و رفتار با دیگران...

محمد بن نصر رحمه الله در تعریفی دقیق و زیبا می گوید: ”نصیحت یعنی توجه قلب نسبت به شخص نصیحت شده هر که باشد و مراقبت از او و اصلاح وی“

و همین کافی است که پیامبر ما محمد صلی الله علیه وآله وسلم دین را در نصیحت خلاصه کرده و آن را سه بار تکرار نموده و فرمودند:

«الدِّينُ النَّصِيحَةُ وَ الدِّينُ النَّصِيحَةُ وَ الدِّينُ النَّصِيحَةُ» قُلْنَا: لِمَنْ؟ قَالَ: «لِلَّهِ وَ لِكِتَابِهِ وَ لِرَسُولِهِ»

وَالْأَيُّمَةُ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ»

”دین نصیحت و خیرخواهی است. دین نصیحت و خیرخواهی است و دین نصیحت و خیرخواهی است“ و گفتیم برای چه کسی ای رسول الله؟ فرمودند: ”برای الله و برای کتابش و برای پیامبرش و برای امامان مسلمان و دیگر مسلمانان“ صحیح مسلم  
ابن بطال رحمه الله می فرماید: ”نصیحت هم دین نامیده می شود و هم اسلام.“  
ای مسلمانان! برای هیچ کس و دارای هر مقام و منزلتی که باشد ممکن نیست که از نصیحت بی نیاز شود... حاکم و عالم و معلم و خانه دار و غنی و فقیر و مرد و زن و دور و نزدیک و همیشه و همه جا...

نصیحت و خیرخواهی از بزرگترین حقوق میان مسلمانان است. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

«حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ سِتٌّ» قِيلَ: مَا هُنَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ وَ قَالَ: «إِذَا لَقَيْتَهُ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَ إِذَا دَعَاكَ فَأَجِبْهُ وَ إِذَا اسْتَنْصَحَكَ فَانصَحْ لَهُ وَ إِذَا عَطَسَ فَحَمِدِ اللَّهَ فَسَمِّتْهُ وَ إِذَا مَرِضَ فَعُدَّهُ وَ إِذَا مَاتَ فَاتَّبِعْهُ» صحیح مسلم

”حق مسلمان بر مسلمان شش چیز است“ گفته شد این شش چیز کدامند؟ فرمودند: ”هرگاه با برادر مسلمان روبرو شدی به وی سلام بگو و اگر تو را دعوت کرد دعوتش را بپذیر و اگر برای تو نصیحت و خیرخواهی کرد تو نیز برای او خیرخواهی کن و اگر عطسه زد و ”الحمدلله“ گفت در پاسخش بگو: ”یرحمک الله“ و اگر بیمار شد به عیادتش برو و اگر وفات یافت در تشییع جنازه ی او شرکت کن“

جریر بن عبدالله پجلی رضی الله عنه می فرماید:

«بَايَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلَى إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ وَ وَالنُّصْحِ لِكُلِّ مُسْلِمٍ» [متفق علیه]

”با رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بر برپا داشتن نماز و دادن زکات و خیرخواهی برای هر مسلمان و بیعت نمودم“

و نزد طبرانی چنین روایت شده که: ”هر که به امر مسلمانان اهمیت ندهد از آنان نیست و هر که صبح و شب را سپری کند و برای الله و رسولش و کتابش و امام مسلمانان و عموم آنان خیرخواهی نوزد و مومن نیست.“

ای مسلمانان: مثال مومن در برابر دیگر مسلمانان به مانند دو دست است که هر یک دیگری را می شوید. ابودرداء رضی الله عنه می گوید: ”اگر بخواهید شما را نصیحت می کنم... محبوبترین بندگان نزد الله کسانی اند که باعث دوست داشتن الله نزد مردم و دوست داشتن مردم نزد الله می شوند و در زمین به نصیحت و خیرخواهی تلاش می ورزند.“

ابوبکر مزنی رحمه الله می فرماید: ”ابوبکر صدیق رضی الله عنه با نماز و روزه ی بسیار بر دیگر اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم پیشی نگرفت بلکه با چیزی که در قلبش بود بر آنان پیشی گرفت“

ابن ابی علیه رحمه الله می فرماید: "آنچه در قلب ابوبکر صدیق رضی الله عنه بود محبت الله و خیر خواهی برای بند گانش بود".

ای عزیزان: مسلمان نسبت به مسلمان مانند یک ساختمان واحد است که هر یک دیگری را می گیرد... آنان با یکدیگر در نیکی و در تقوا همکاری می کنند... به سوی حق و صبر توصیه می کنند... به معروف امر کرده و از منکر باز می دارند... مسلمان برادر مسلمان است... عورت او را می پوشاند و لغزش او را می بخشد و برای او دلسوزی می کند و عذر او را می پذیرد و از غیبت او جلوگیری می کند و به نصیحت و خیر خواهی برای او ادامه می دهد و دوستی او را حفظ می نماید و دعوت او را پاسخ می گوید و هدیه اش را می پذیرد و در مقابل خوبی اش از وی تشکر می کند و حاجتش را رفع می کند و گم شده اش را بازمی گرداند. او را - به دشمن - تسلیم نمی کند و از یاری اش سر باز نمی زند. برای او همان چیزی را می پسندد که برای خود... برای غمش غمگین می شود و برای شادی اش شاد می شود حتی اگر شادی او به ضررش باشد.

مسلمان صلاح و رستگاری و محبت و یاری و دور کردن بدی ها و راهنمایی به سوی منافع و آموزش امور دین و دنیا را برای برادرانش دوست می دارد و بدی ها را از آنان دور ساخته و از فریب و حسد نسبت به آنان دوری می ورزد و برای فقرای آنان ایثار می ورزد و هر یک از آنان را که از حق دور شده اند با لطف و مهربانی به حق بازمی گرداند.

برادران و خواهران: علما تعدادی از آدابی را که شایسته است در هنگام نصیحت رعایت نمود ذکر نموده اند از جمله:

اخلاص در خیر خواهی برای شخص مقابل و حرص بر آن و تلاش در راه آن.  
دور شدن از هوا و خواهش های نفسانی.

صبر و شکیبایی در برابر آنچه ممکن از سوی شخص مقابل سر بزند.  
باید در نصیحت از لطف و آسانگیری بهره جسته شود و از بهترین الفاظ و آرام ترین و بهترین آنان استفاده شود و در بهترین اوقات و مناسبت ترین حالت ممکن انجام گیرد.  
اصل در نصیحت این است که در حالت سری و مخفیانه انجام گیرد.

امام شافعی رحمه الله می فرماید: "هر که برادرش را در حال خلوت نصیحت کند و برای او خیر خواسته و او را با ارزش داشته است و هر که در حالت علنی او را نصیحت کند او را بی آبرو کرده و سرزنش نموده است. شخص مومن دیگران را می پوشاند و نصیحت می کند اما منافق هتک حرمت می کند و بی آبرو می سازد".

ابن حزم رحمه الله می فرماید: "اگر خواستی نصیحت کنی به صورت مخفیانه نصیحت کن نه در حالت علنی و بصورت غیر مستقیم نصیحت کن نه مستقیم مگر آنکه شخص مقابل نفهمد که در آن صورت باید مستقیم نصیحت کرد". همچنین شایسته است که نصیحت با حسن ظن و یافتن عذر همراه باشد... ابن سیرین رحمه الله می فرماید: "اگر از برادرت چیزی به تو رسید برایش عذری بیاور... و اگر برای کار او عذری نیافتی بگو: حتما عذری دارد".

و حکیمان گفته اند: "با هیچ کس با چیزی که بد می دارد روبرو نشو حتی اگر قصد نصیحت او

را داری زیرا این باعث تنفر و قبول نکردن نصیحت می شود. و در پایان و نصیحت سببی است برای انتشار برادری و زیاد شدن الفت و پاکی قلب و نصیحت کننده در دین الله عزوجل کسی است که میان بندگان الله الفت ایجاد می کند...

أقول قولي هذا و أستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

## خطبه دوم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَوَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

أما بعد:

ای مردم. این اجتناب ناپذیر است که و هر یک از ما به سوی خوشبختی گرایش دارد... حال کدام عاقل است که خوشبختی خود را در سمت راست ببیند و سپس راه چپ را ببیند؟! و کیست آنکه برای به دست آوردن سعادت نکوشد یا آن را نخواهد؟! هر که در پی سعادت نباشد یا نادان است و یا بیمار که هر دو احتمال تلخ است و ناگوار...

«سعی برای خوشبختی» امری است فطری و غریزی که شریعت اسلام بر آن تاکید کرده و به آن تشویق می کند اما باید دانست که مهم ترین انواع خوشبختی آن است که فراگیر باشد نه محدود و وسیع باشد نه کوچک. اگر بخواهیم به بهترین راه خوشبختی و بزرگترین و سودمندترین آن دست یابیم و باید به سوی الله متعال برویم و سعادت واقعی را در فرامین او تعالی جستجو نماییم و بزرگترین امانت همان امانتی است که الله متعال آن را بر آسمانها و زمین عرضه کرد اما آنها از برداشتن آن سرباز زده و بر خود ترسیدند و انسان آن را برداشت و او بسیار ستمگر و نادان بود.

﴿ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ

كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴿٧٢﴾ (احزاب ٧٢)

«همانا ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم پس از برداشتن آن سرباز زدند و از آن هراسناک شدند و انسان آن را برداشت و بی گمان او ستمگری نادان بود» این همان امانت بزرگ است... امانت به مفهوم وسیعی که الله و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم از ما خواسته اند که ضد آن خیانت نامیده می شود بر اساس همان معنای وسیعی که الله و رسولش ما را از آن نهی نموده اند.

تا جایی که عرصه‌ی امانت و همه‌ی آنچه الله بر بندگان در دین و ناموس و مال و عقل و جان و علوم و معارف و ولایت و حکم و گواهی دادن و قضاوت و راز و حس‌های پنجگانه و دیگر چیزها را در بر گیرد. به گونه‌ای که قرطبی رحمه الله می فرماید: "امانت همه‌ی وظایف دینی را در بر می گیرد".

انسان امین و "امین" شمرده نخواهد شد مگر آنکه از همه‌ی چیزهایی که در آن حقی ندارد دست بکشد و همه‌ی حقوقی را که دیگران بر گردن او دارند ادا نموده و نسبت به حفظ آنچه در مورد آن امین پنداشته شده است حریص بوده و سهل انگاری نکند. هر که این خصلت‌ها در وی باشد در دایره‌ی رستگاران قرار خواهد گرفت که الله عزوجل درباره‌شان فرموده است:

﴿ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ ﴾ (المؤمنون: ١) (همانا مومنان رستگار شدند)

تا آنچه که می فرماید: ﴿ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿٨﴾ ﴾ (المؤمنون: ٨)  
(و آنان که امانتها و پیمان خود را رعایت می کنند)

امانت از نوآوری های شریعت محمد صلی الله علیه وسلم نیست بلکه این خصلت از بارزترین اخلاق پیامبران است. ببینید نوح و هود و صالح و لوط و شعیب علیهم السلام هر یک به قومش چنین فرموده اند که:

﴿ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٦٢﴾ ﴾ (الشعراء: ١٦٢)

(من برای شما پیامبری امانتدار هستم)

و پیامبر ما صلی الله علیه وآله وسلم نیز در قوم خویش به لقب صادق و امین معروف بود. الله عزوجل نیز این صفت را برای جبریل علیه السلام ذکر نموده و فرموده است:

﴿ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾ ﴾ (الشعراء: ١٩٣)

(جبرئیل روح الامین آن را فرو فرستاده است)

برخی از انسان ها در فهم معنای امانت داری دچار اشتباه هستند و آن را تنها در حفظ امانت های مالی و مادی محدود می بینند. آنان با این فهم خود در واقع مفهوم بس وسیعی را محدود نموده اند در حالی که این برداشت از امانت تنها نوعی از انواع بی شمار امانت داری را شامل می شود.

انجام وظیفه یک نوع امانت داری است و ترک آنچه الله نهی نموده یک نوع امانت است و امر به معروف امانت داری است و نهی از منکر امانت است و حکومت و قضاوت امانت است و رعایت حقوق مردم امانت است و علم امانت است و حمایت از دین و حفظ آن امانت است و حفظ سرزمین مسلمان و حمایت از دارایی های جامعه نیز امانت است...

همه ی این امانت ها با انجام آنچه به مصالح آن است و دور کردن آنچه به زیان آن است و عدم خیانت به امت در زمینه ی آن به تحقق می رسند:

﴿ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا ﴿١٠٧﴾ ﴾ (النساء: ١٠٧)

(همانا الله هر کس را که خیانتگر و گناه پیشه باشد دوست ندارد)

اگر به معنای امانت نگاهی بیندازیم در آن معنای امن و اطمینان را خواهیم یافت گویا اینکه با تحقق امانت به روش صحیح و امنیت و آرامش و استقرار وابسته به آن است... ممکن نیست شخص ظالم به امنیت درونی دست یابد یا انسان گناهکار آسوده خاطر شود و یا شخص خیانتکار و منافق خوشبختی را به دست آورد...

در حالی که قرآن امانت را در جاهای بسیاری ذکر کرده است در همین حال از ضد آن یعنی خیانت بر حذر داشته و نسبت به آن هشدار داده است:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمْنَتَكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٧﴾ ﴾ (الأنفال: ٢٧)

«ای کسانی که ایمان آورده اید به الله و پیامبر او خیانت نکنید و [نیز] در امانت های خود خیانت نورزید در حالیکه خود می دانید.»

و فرموده است: ﴿وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِبِينَ ﴿٥٢﴾﴾ (یوسف: ۵۲)  
 «...و الله نیرنگ خائن را به جای نمی‌رساند».

برای زشت دانستن و تنفر از خیانت همین کافی است که بدانیم این خصلت سبب ورود به جهنم و عاقبت بد است چنانکه الله با مثال آوردن از دو زن از زنان پیامبران برای عاقبت بد این خصلت مثال آورده است:

﴿صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ ﴿١٠﴾﴾ (التحریم: ۱۰)

«الله برای کسانی که کفر ورزیده‌اند زن نوح و زن لوط را مثل آورده [که] هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آنها خیانت کردند و کاری از دست [شوهران] آنها در برابر الله ساخته نبود و گفته شد با داخل شوندگان داخل آتش شوید»  
 یعنی به آن دو پیامبر در دین خیانت می‌کردند. کار آنان این بود که در مورد کسانی که ایمان آورده بودند به قوم کافر خویش اطلاعات می‌داند.

این آتش جهنم است... ای کسی که در امانت خیانت ورزیده‌ای... این آتش جهنم است... این عذاب دردناک است ای آنکه نسبت به پروردگارت و ولی امرت و امت و خودت خیانت اعمال داشته‌ای... رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و مسئولیت‌ها را امانت دانسته و از کسانی که توان آن را داشتند و آن را به خوبی به انجام می‌رساندند برای انجام مسئولیت‌ها دعوت می‌کرد و آن را از کسانی که در انجام آن ضعیف بودند باز می‌داشت.

هر که از سوی ولی امر مسئولیتی داده شد و آن را به بدی انجام داد و خائن است. او در حق امانت و در حق ولی امر و مردم خیانت ورزیده است و الله می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِبِينَ ﴿٥٨﴾﴾ (الأنفال: ۵۸) (همانا الله خیانتکاران را دوست ندارد)

و این اخلاق مومن صادق و خیر خواه نیست زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«الْمُؤْمِنُ مَنْ أَمِنَهُ النَّاسُ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ» [ترمذی و نسائی]

«مومن کسی است که مردم او را بر جان و مال خود امانت‌دار بدانند»

همچنین «خائن در امانت» از منافقانی است که دارای نفاق رفتاری هستند زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«مِنْ عَلَامَاتِ الْمُنَافِقِ ثَلَاثَةٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبًا وَ إِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَ إِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ» [بخاری و مسلم]

«نشانه‌ی منافق سه چیز است: اگر سخن گوید دروغ می‌گوید و هنگامی که وعده دهد خلاف کند و هنگامی که امانت‌دار شمرده شد خیانت کند»

پس ای بندگان الله امانت‌دار باشید و خیانت نکنید خاصا در این زمان که دنیای ما و میدانی شده است برای خواسته‌های نفسانی و بر عکس شدن مفاهیم؛ و به سبب همین مفاهیم اشتباه و نادرست و خائن در امان است و عرصه بر انسان‌های امانت‌دار تنگ شده است و راست فرمودند رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ وَ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُؤْمَنَ الْخَائِنُ وَ وَيُخَوَّنَ الْأَمِينُ» (مستدرک حاکم)  
«قسم به آنکه جانم در دست اوست... قیامت به پا نمی شود تا آنکه امین خائن شمرده شده و خائن  
امین دانسته شود...»

الله متعال ما و شما را از فتنه های آخرالزمان حفظ نماید.

عباد الله! صلوا وسلموا علی من أمرتم بالصلاة والسلام علیه فی قوله سبحانه:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (٥٦)

(الأحزاب: ٥٦) واللهم فصلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و  
والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارض عن الصحابة الأخيار و آل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت  
نبيك و وأصحاب نبيك و ومن سار على نهج نبيك صلى الله عليه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لما تحب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم  
الراحمين و اللهم ات نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في  
الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغى و  
يعظكم لعلكم تذكرون.